

- گرایش به منش ورزشی به درک و باور شخصی افراد از ابعاد منش ورزشی مربوط می شود. بدین معنی که ورزشکاران از نظر باورهای شخصی و ارزش گذاری با کدام یک از مفاهیم منش ورزشی موافق یا مخالف است و شدت آن در چه سطحی است.
- توسعه منش ورزشی به فرایندی مربوط می شود که طی آن منش ورزشی شکل می گیرد. این بُعد در بردارنده اکتساب منش ورزشی و عوامل موثر بر آن می باشد.
- نمود منش ورزشی در رفتار فرد است که به شواهد رفتاری در زمان مقتضی مربوط می شود. بدین مفهوم که ورزشکاران در هنگام مواجه شدن با شرایط اخلاقی چه عکس العملی از خود نشان می دهند و یا در محیط های ورزشی چه اندازه رفتارشان با مفاهیم منش ورزشی همسو می باشد.

در پژوهشی « سیدی و همکاران » دریافتند که بین نوجوانان ورزشکار ارزش های اخلاقی از جایگاه مهمی برخوردار نیست و وجود هماهنگی بین جوانان باعث شده خصوصیات زمینه ای ، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی بر چگونگی ارزش های اخلاقی جوانان تاثیر ندارد.

« همتی نژاد و همکاران » در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که از نظر منش ورزشی ورزشکاران رشته های انفرادی، مانند تکواندو در مقایسه با رشته های تیمی در سطح بالاتری قرار دارند.

در پژوهشی که توسط « فارسی » بر چالش های فرهنگی ورزشکاران انجام گرفته، نشان داد که : ۱- کم رنگ شدن معنویت ۲- مشکلات اخلاقی و اعتیاد ورزشکاران ۳- استفاده از شعارهای نامناسب و رواج فحاشی در ورزش ۴- رواج رشوه و تبانی ۵- پوشش و آرایش نامناسب ورزشکاران و رواج خال کوبی ۶- عدم توجه به شایسته سالاری ۷- دوپینگ از جمله چالش های فرهنگی ورزشکاران می باشد.

در دنیا پژوهش های نسبتاً خوبی در جهت بررسی رفتار و اخلاق ورزشکاران تحت عناوینی همچون روحیه ورزشی، بازی جوانمردانه، اخلاق ورزشی انجام شده است. با این وجود هنوز پژوهش های بیشتری در زمینه بررسی ویژگی های اخلاقی و رفتاری ورزشکاران از دیدگاه های مختلف و در سطوح متفاوت لازم است تا بتوان به نتایجی دقیق تر و نسخه کارآمدتری در مورد این ویژگی ها رسید.

با بررسی منش ورزشی ورزشکاران می توان به پیش بینی در مورد مصرف یا عدم مصرف مواد نیروزا در ورزشکاران پرداخت. میزان گرایش ورزشکاران به منش ورزشی با میزان مصرف مواد نیروزا همبستگی منفی دارد (دالی، ۱۹۹۱).

### ضرورت و اهمیت تحقیق :

غالباً این باور وجود دارد که ورزش موجب بهینه شدن شخصیت و اخلاق افراد می شود. یا اینکه ورزش باعث پیش برد همکاری، شهامت، کار گروهی، انصاف، مسئولیت و قدرت کنار آمدن با شرایط بحرانی اخلاقی می

شود ( هاریسون و همکاران، ۱۹۹۴ ). در عین حال نشان داده شده است که ورزش افراد را در موقعیت هایی قرار می دهد که سبب تشویق آنها در جهت نشان دادن رفتارهای غیر اخلاقی همانند تقلب و خشونت و استفاده از داروهای غیر مجاز می شود (سیلوربرگ و همکاران، ۲۰۰۱).

در زمان فعلی سازمانهای ورزشی خطر توسعه بی اخلاقی در ورزش را کاملاً درک نموده اند و با جدیت از طریق تبلیغات گسترده در زمینه هایی همچون بازی جوانمردانه و یا جریمه های سنگین مالی و غیر مالی برای اعمال غیر اخلاقی همچون دوپینگ، و یا رفتارهای نژاد پرستانه، سعی در جلوگیری از آن دارند.

اگر کسب مدال در کنار روح پهلوانی و رفتار جوانمردانه و توأم با اخلاق و مذهب باشد ورزشکار بیشتر در دل جامعه جای می گیرد. ورزشکاران و قهرمانان ملی بیشماری در کشور در طول سالیان دراز مدال های رنگارنگ و متعدد کسب کردند و به اصطلاح اشتها و معروفیت خاص برخوردار بودند اما تنها معدود انگشت شماری از آنان در میان مردم محبوب شد و در گنجینه دل تاریخ ماندگار شدند. قهرمانان ماندگار و محبوب در جامعه کسانی بودند که چند بُعدی بودند، هم در زمینه ورزش قهرمانی و هم با اخلاق و روح پهلوانی و فتوت توانستند در قلب جامعه رسوخ پیدا کنند. چه بسیار قهرمانانی بودند که مدال های جهانی و المپیک کسب کردند اما در صحیفه ذهنی مردم و در حافظه تاریخیشان چیزی از آنها جز یک اسم تنها به خاطر نمانده است.

## تعاریف :

واژه پهلوان از دو بخش « پهلوی » و نسبت « ان » ترکیب یافته و هم خانواده با واژه فارسی میانه پهلویگ و فارسی میانه مانوی است. پهلوی را منسوب به پلو، سرزمین پارت دانسته اند که مردان آن به توانایی و دلیری شهرت داشتند. « پارت » اصطلاحی رومی - یونانی برای سرزمینی است که در زبان پارسی باستان « پرتوه » نامیده می شده است. واژه پرتوه که داریوش اول در کتیبه بیستون آورده است، بعدها به پهلوی تبدیل شد. جنگ ها و رشادت های پهلویها ( مردم پرتوه )، پهلوانان سنتی را پدید آورد که « سنت پهلوانی » در ایران به نام آن ها شکل گرفت. این سنت آمیزه ای از سلحشوری و جوانمردی است که بر زندگی عامه مردم و حماسه های ملی ایران تأثیری عمیق و شگرف گذاشته است. سنت پهلوانی در فرهنگ ایران زمین یک دوره تحول و تطور از کهن ترین زمان، یعنی دوره اساطیری، تا دوره حماسی و تاریخی را پیموده است. پهلوانان دوره اساطیری نمونه زمینی خدایان آسمانی بودند که در جامعه پهلوانان انسان نما آشکار می شدند، اما رفتار و کرداری ایزدگونه و آبر انسانی داشتند ( زرین کوب، ۱۳۶۳ ).

در تمامی روایت های پهلوانی، ستیزی بنیادین میان راستی و دروغ وجود داشته و « گذشت » به عنوان اصلی غیر قابل انکار مطرح می شود. پرورش شخصیت اخلاق گرا از دوران باستان وجود داشته است (سایمون، ۲۰۰۱).